

# گفت و گو با هم برای حل مسائل هم!

حوریه رزاقی

آموزگار دبستان ستوده، منطقه‌ی ۳ تهران

نگاهی به تجربه‌ی یک آموزگار در یاری گرفتن از بچه‌ها برای حل مسائل کلاسی

## اشاره

آن چه در پی می‌آید، تجربه‌ی یک آموزگار برای حل مسائل کلاسی خود است. طبق رویه‌ای که از سال قبل شروع کرده‌ایم، برخی از نوشته‌های تجربی همکاران را با بحثی کارشناسی همراه می‌کنیم. این بار هم روش به کار رفته توسط خانم رزاقی، توسط یکی از اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله که دانش آموخته‌ی رشته‌ی روان‌شناسی تربیتی است، مورد تحلیل قرار گرفته و در کنار نوشته‌ی ایشان آمده‌است. ابتدا تجربه و سپس نظر تحلیل کارشناسی مرتبط با آن را در پی درج می‌کنیم.

سکوت کرد. ناگهان فکری مثل جرقه از ذهن عبور کرد. گفتم: «بچه‌ها، من سؤالی مطرح می‌کنم که مسئله‌ی همه‌ی ماست. دلم می‌خواهد شما با پاسخ دادن به آن، به حل مسئله کمک کنید.» سپس روی تخته نوشتم: به نظر شما، چرا سعیده در گفت‌وگوهای کلاسی شرکت نمی‌کند؟ سعیده بیکه خورد، ولی هم چنان ساکت به من نگاه می‌کرد. بچه‌ها شروع کردند به نظر دادن. من حرف‌های آن‌ها را روی تخته می‌نوشتم. در ضمن، از سعیده هم خواستم درباره‌ی درستی و نادرستی نظرهای بچه‌ها پاسخ دهد. بچه‌ها نظرات گوناگونی داشتند مانند این که:

- شاید سعیده کم‌رو است.
- شاید حوصله‌ی حرف زدن ندارد.
- شاید ما (دوستانش) را دوست نداشته باشد.
- ممکن است مدرسه‌اش را دوست نداشته باشد.
- شاید (از خانم معلم) خوشش نمی‌آید.
- شاید تنبل است.
- شاید می‌ترسد حرف بزند.

هم چنان که من حرف‌های بچه‌ها را روی تخته می‌نوشتم، سعیده با نگاهش نشان می‌داد که هیچ کدام از آن‌ها را قبول ندارد، تا این که یکی از بچه‌ها گفت: شاید سعیده مسخره شده باشد. چون وقتی کلاس اول بودیم، یک روز سعیده درباره‌ی

آن روز وقتی وارد کلاس شدم، بچه‌ها با شادی و سروصدا به استقبال آمدند. با گرمی آن‌ها را پذیرفتم، ولی سعیده، دختر همیشه ساکت کلاس، باز هم خاموش سر جای خود نشسته بود و هیچ عکس‌العملی نداشت. مثل همیشه، نگاه من روی او ثابت ماند و باز به فکر فرو رفتم. مدت‌ها بود این اندیشه ذهن مرا به خود مشغول کرده بود که چگونه می‌توان این دخترک خاموش را به شادی و تحرک واداشت.

اولین ساعت آن روز، درس جمله‌سازی داشتیم و قرار بود بچه‌ها با کلمه‌ی «دوست» جمله بسازند. هر یک از بچه‌ها جمله‌ای درست می‌کرد و می‌گفت: من هم آن‌ها را روی تخته‌ی کلاس می‌نوشتم. در جمله‌های بچه‌ها یک ویژگی از خصوصیات دوست بیان می‌شد. به این ترتیب، خصوصیات متفاوتی از دوست مطرح شد.

در این میان، سعیده هم چنان ساکت بود و مثل همیشه در بحث و گفت‌وگو شرکت نمی‌کرد. از او خواستم جمله‌اش را بخواند، ولی باز



تصویرگر: ندا عظیمی



موضوعی صحبت کرد. چون حرفش بی‌ربط بود، همه‌ی ما خندیدیم و یکی از بچه‌ها هم او را مسخره کرد...

ناگهان سعیده به حرف آمد و با هیجان گفت: «بله خانم، درست است. ما همه کلاس اول بودیم. یک روز زنگ علوم، من جواب یک سؤال را بر عکس گفتم. همه‌ی بچه‌ها به من خندیدند.»؟ باز هم ادامه داد: «من از آن موقع که دیدم بعضی بچه‌ها دوستانشان را دست می‌اندازند و مسخره می‌کنند، تصمیم گرفتم دیگر حرف نزنم تا کسی هم مسخره‌ام نکند.»

بعد از صحبت‌های سعیده، مدتی سکوت بر کلاس حکم فرما بود. بچه‌ها با شنیدن حرف‌های او احساس شرمندگی می‌کردند، چون فکر نمی‌کردند رفتار دو سال قبل آن‌ها که از روی بی‌توجهی صورت گرفته بود، آن قدر در روحیه‌ی دوستانشان اثر گذاشته باشد. از فرصت استفاده

کردم و گفتم، بچه‌ها، به نظر شما می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین صفات دوست آن است که هرگز دوستش را مسخره نکند؟ همه‌ی بچه‌ها با صدای بلند حرف مرا تأیید کردند؛ گویی می‌خواستند با این تأیید به سعیده نشان دهند که از کار گذشته‌شان پشیمان هستند و می‌خواهند از این به بعد دوستان خوبی برای او باشند.

بعد از طرح این صحبت‌ها در کلاس، آرامش خاصی در چهره‌ی سعیده که قبل از آن همیشه غمگین می‌نمود، مشاهده شد.

از آن روز به بعد، سعیده کم‌کم از انزوا و سکوت بیرون آمد و در کلاس به دختری فعال تبدیل شد. بچه‌ها هم سعی کردند رفتار گذشته‌شان را جبران کنند. این تجربه باز هم به من نشان داد که یاری گرفتن از بچه‌ها برای حل مسئله‌ی خودشان، خیلی وقت‌ها بهترین راه‌حل مشکلات است.

# کمی احتیاط کنید

ابراهیم اصلانی

تحلیلی بر تجربه‌ی خانم حوریه رزاقی

دارم، نقش مشاوره‌ای معلم است. از معلم انتظار نداریم کار مشاور را انجام دهد، اما از او انتظار داریم که مشاهده‌گر حساس رفتار دانش‌آموزان باشد و بداند آن‌ها با چه مسائل عاطفی مواجه‌اند.

تجربه‌ی خانم رزاقی را در دو بخش می‌توان تحلیل کرد:

**اول:** این که معلمی از آغاز ورود به کلاس، رفتار دانش‌آموزان را زیر نظر بگیرد و مسائل آنان را تشخیص دهد، نکته‌ی بسیار مثبتی است. حساس بودن در برابر مسائل

دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد در کتاب «روان‌شناسی تربیت و تدریس»، برای معلم هفت نقش در نظر می‌گیرد:

۱. متخصص آموزشی است.
  ۲. محرک است.
  ۳. مدیر است.
  ۴. رهبر است.
  ۵. مشاور است.
  ۶. مهندس محیط است.
  ۷. سرمشق است.
- نکته‌ای که من در این‌جا با آن کار

## منبعی برای مطالعه‌ی بیشتر

برای آگاهی یافتن از روش علمی گفت‌وگوهای کلاسی دانش‌آموزان برای حل مسائل خود و کلاس، به کتاب «انضباط مثبت در کلاس درس» که روش نشست‌های کلاسی براساس هوش هیجانی و مهارت‌های زندگی را مطرح می‌کند، مراجعه فرمایید. این کتاب توسط دکتر غلامرضا حسین‌نژاد از انگلیسی به فارسی ترجمه شده و نشر امروز (۸۸۳۴۵۲۱۷) در تهران آن را منتشر کرده است.

# از هفت خوان رستم تا هفت خوان شجاعت

نازنین فیروزی

آموزگار دبستان نیلوفران، تربت‌جام تهران

مراحل گوناگون تولید کتاب هفت‌خوان رستم دیدم، احساس کردم فرصت مناسبی است تا برخی از خصوصیات اخلاقی را که در سنین ابتدایی نیاز به تقویت دارد، به شکل «هفت‌خوان شجاعت من»، برایشان مطرح کنم. توضیح دادم، برای این که انسانی شجاع باشیم، نیاز نیست که حتماً با دیگران درگیر شویم و آن‌ها را در مبارزه شکست دهیم، بلکه با رعایت برخی از مسائل اخلاقی نیز می‌توانیم شجاع باشیم. سپس درباره‌ی هر خوان توضیحاتی دادم. دانش‌آموزان برداشت‌ها و نظرات خود را راجع به آن بخش نوشتند و تصاویری هم برایش کشیدند. به این ترتیب، توانستم چند هدف مهم را در کلاس تحقق بخشم که عبارت بودند از:

- آشنایی با میراث فرهنگی
- ایجاد حس علاقه در دانش‌آموزان نسبت به آشنایی با تاریخ و پیشینه‌ی فرهنگی کشور
- آشنایی با صفات پسندیده‌ی اخلاقی و تقویت آن‌ها
- توسعه‌ی سواد خواندن
- گسترش دایره‌ی لغات
- تقویت مهارت شنیدن و به خاطر سپردن

و از همه مهم‌تر، اکنون دانش‌آموزان من می‌دانند که با عزم، اراده و توکل به خدا، می‌توانند هر کار سختی را انجام دهند.

آشنایی با میراث فرهنگی کشور و ایجاد علاقه نسبت به پیشینه‌ی غنی فرهنگی ایران سربلند در دانش‌آموزان، یکی از اهداف دروس کتاب فارسی است. از این‌رو، به منظور تحقق این هدف و با محوریت توسعه‌ی سواد خواندن، افزایش دایره‌ی لغات و ایجاد زمینه‌ی مناسب در دانش‌آموزان برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی آثار هنری و میراث فرهنگی کشورمان، پس از تدریس درس فردوسی در کتاب فارسی (بخوانیم) کلاس دوم، تصمیم گرفتم یکی از داستان‌های شاه‌نامه را با بچه‌ها کار کنم.

## نحوه‌ی اجرا

داستان هفت‌خوان رستم را که نشان دهنده‌ی سه عنصر عزم، اراده و توکل به خداست، انتخاب کردم. تصاویر مربوط به هر خوان را در اختیار دانش‌آموزان قرار دادم (تصاویر از کتابی با همین عنوان انتخاب شد). هر روز داستان یک خوان را برای بچه‌ها تعریف کردم و از آن‌ها خواستم برداشت خود را از هر داستان به صورت خلاصه بنویسند و تصویر آن را نقاشی کنند. به این ترتیب، هر دانش‌آموز کلاس، یک کتاب هفت‌خوان رستم درست کرد. این فعالیت با استقبال فراوان اولیا نیز مواجه شد.

## تعمیم طرح

پس از آن که اشتیاق بچه‌ها را در

دانش‌آموزان و کلاس، از رموز موفقیت معلمی است؛ البته حساسیتی که منطقی و آگاهانه باشد.

حساسیت بر مشاهده‌ی دقیق مبتنی است؛ یعنی هر چه معلمی مشاهده‌گر ماهر باشد، سطح حساسیت او بالاتر خواهد بود. مرور خاطره‌ی این معلم نشان می‌دهد که وی مشاهده‌گر و حساس است.

دوم: مشاوره، کاری تخصصی است و هر گونه اقدام مشاوره‌ای، منوط به تسلط بر فنون و روش‌هاست. در مواردی که معلم وجود مشکلی را در دانش‌آموزی تشخیص می‌دهد، وظیفه‌ی او می‌تواند بررسی موضوع به صورت فردی و خصوصی و ارائه‌ی راهنمایی باشد.

کشیدن پای دانش‌آموزان دیگر به موضوعی شخصی، اگر چه به ظاهر در این تجربه ثمربخش بوده، ولی در برخی مواقع شاید وضعیت را بدتر کند. وقتی شما در جمع دانش‌آموزان، موضوعی را به صورت عمومی مطرح می‌کنید، باید به اندازه‌ی بر فنون مشاوره مسلط باشید که بتوانید از پس جمع و جور کردن آن برآیید. اگر فاقد چنین مهارت‌هایی هستید، بهتر است کمی احتیاط کنید.

فراموش نکنید، گاهی بعضی اتفاق‌ها کافی است فقط یک بار روی دهد. اگر در همین تجربه، یکی از دانش‌آموزان نکته‌ای ناگفتنی یا توهین‌آمیز می‌گفت، چه بسا نه تنها اوضاع به هم می‌ریخت، بلکه دانش‌آموز مورد نظر (سعیده) هم در وضعیت بسیار بدی قرار می‌گرفت.

ورود به حیطه‌ی مسائل عاطفی و تلاش برای حل مشکلات، حرکت بر لبه‌ی تیغ است. حتی اگر هر کدام از ما مواردی از تجربه‌های موفق در این باره داشته باشیم، دلیلی بر آن نیست که از روش درستی استفاده کرده‌ایم. برای حل مشکلاتی از قبیل آن چه در این تجربه آمده است، راه‌های کم هزینه و ساده‌تری وجود دارد.